

تشیع در ترکیه

بحث از تشیع ترکیه در دو بخش است: نخست آنچه که به شیعیان امامی شرق ترکیه و مهاجران به استانبول و سایر نقاط مربوط می شود و به لحاظ تاریخی مربوط به دوران آق قویونلو و قراقویونلو در قرن نهم هجری است. دوم مسائل مربوط به علویان که شرح آن خواهد آمد.

باید توجه داشت که وجود علویان در آناتولی و بخش های دیگر، زمینه ای برای پیشرفت صفویان و بالقوه پیشرفت تشیع امامی بود، اما به زودی دولت نیرومند عثمانی مرزهای استواری میان خود و صفویان ایجاد کرد و مانع از نفوذ بیشتر افکار شیعی در آناتولی شد.

با این حال، بخش های شرقی ترکیه امروز، بخش عمده ای از مردمان منطقه ای حد فاصل اردهان تا حکاری، به دلیل همسایگی با دولت صفوی و رفت و آمد آنان به اردبیل به تشیع امامی گرویدند. همچنین در تمام ادواری که دولت ایران بر بخش هایی از ارمنستان و گرجستان تسلط داشت، تبلیغات مذهبی شیعه میان مردم این نواحی منتشر می گشت. آثار آن تبلیغات همین تشیع امامی است که امروزه در قارص و ایغدير و آغری دیده می شود.

از پس از جنگ جهانی اول و زمانی که آتاتورک به قدرت رسید، در ترکیه، هر نوع فعالیت مذهبی آشکار ممنوع بود. طی این سالها شیعیان فشار مضاعفی را تحمل کرده و در تقیه و انزوا به سر می بردند. بسیاری از شیعیان این نواحی با ارسال روحانیونی به نجف، مبلغان مورد نیاز خود را تأمین می کردند؛ اما این کار با کندی و بسیار آرام صورت می گرفت. در این زمان مرکزی برای تشیع وجود نداشت و به طور کل فعالیت های مذهبی در محاق بود.

شیعیان استانبول

در شهر بزرگ استانبول نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر شیعه زندگی می کنند که عموماً در منطقه حالکالی متمرکز هستند. اینان بیشتر مهاجرانی هستند که از شرق ترکیه به خصوص منطقه اغدير و قارص به استانبول آمده اند.

گروه زینبیه نام شمار فراوانی شیعه است که در حالکالی استقرار یافته و به رهبری شیخ صلاح الدین اورگندوز در آن جا به سر می برند. غالب این ها از اهالی توزلیجا از مناطق تابعه اغدير هستند. نزدیک به شصت درصد از مساجد شیعه (یعنی از ۱۰۸ مسجدی که برابر آمار سازمان دیانت متعلق به شیعه است) در اختیار این گروه است. گروه دیگر کوثر هستند که غالب

آنان از طلاب حوزه علمیه قم بوده و رهبری آنان با شیخ صباح الدین و شیخ موسی آیدین است. شیخ صبری از دیگر روحانیون شهر استانبول است که سالهاست در این شهر اقامت دارد. در حال حاضر در استانبول بیش از سی مسجد جعفری وجود دارد. حضور جدی این مساجد سبب شده است تا نگاه سایر مردم ترکیه به شیعه که نشأت گرفته از برخی از نگره های قدیمی بود تغییر یافته و از آن به عنوان مذهبی بزرگ یاد کنند.

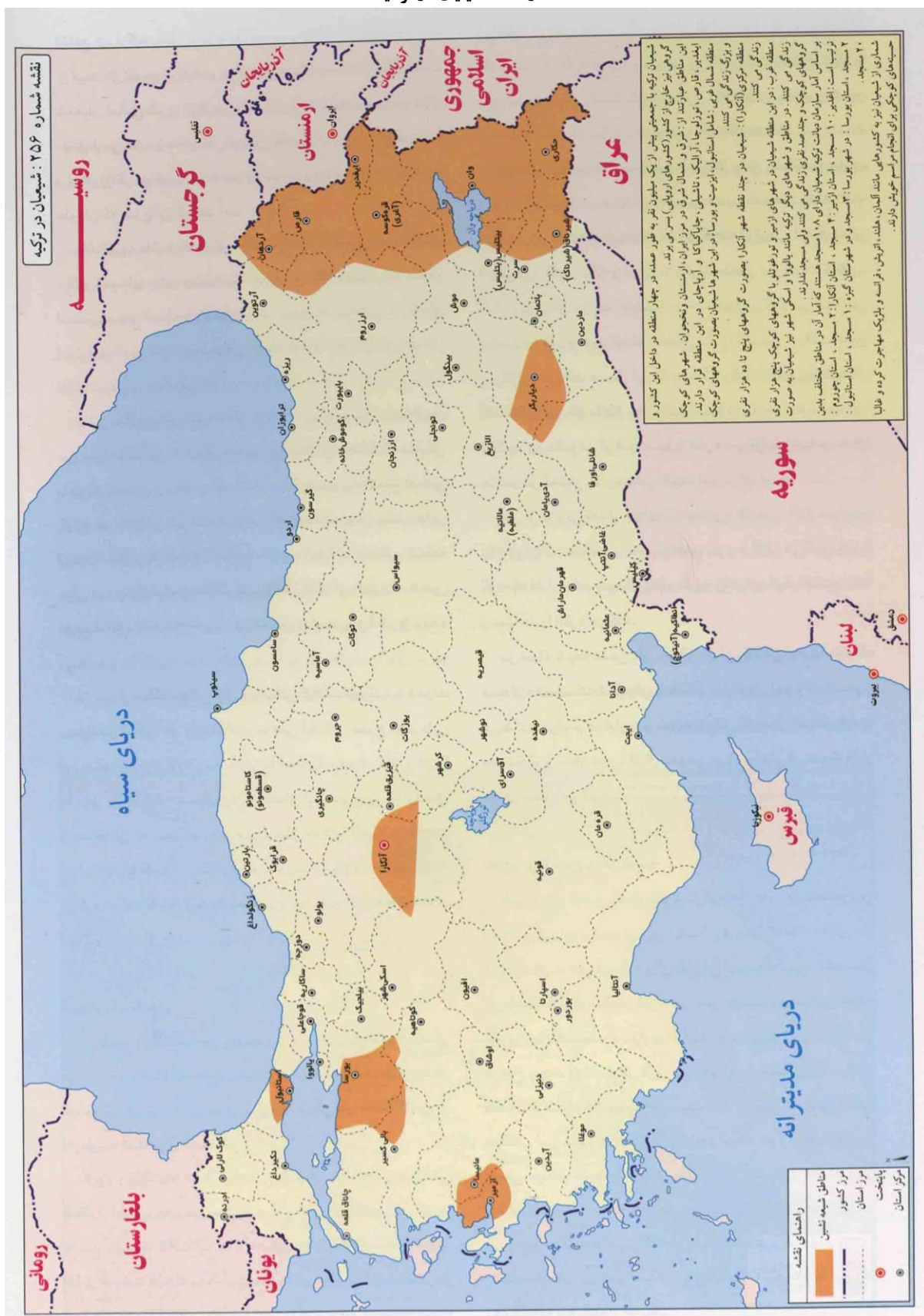
از دیر زمان مراسم عاشورا در استانبول برگزار می شد. این مراسم در دوره قدیم توسط شیعیان آذربایجانی در استانبول برگزار می شد. محل آن تکیه خان والده (واقع در خیابان آکسارای) بود که متعلق به ایرانیان مقیم استانبول بود. حوالی انقلاب، روحانیونی از قم آنجا را اداره می کردند؛ اما در حال حاضر یک روحانی شیعه اهل ترکیه است.

پس از فزونی شمار مهاجران ایغدییر و قارص، آنان مراسم عاشورا را در مساجد و حسینیه های خود برگزار می کنند. همان گونه که اشاره شد شیعیان به دو گروه زینبیه و کوثر تقسیم شده و مساجد را اداره می کنند.

در محله شیعه نشین باق جولار میدان بزرگی به نام «اوک میدان» هست که شیعیان مراسم عاشورا را در آنجا بر پا می کنند». مراسم عزاداری و تعزیه خوانی شیعیان استانبول در ماه محرم و صفر مورد اقبال عمومی بوده و حتی از شبکه های خبری پخش می شود.

اغدییر بزرگترین مرکز شیعه

شهرستان ایغدییر که در شرق ترکیه قرار دارد و با جمهوری اسلامی ایران، نخجوان و ارمنستان همسایه است، دارای ۷۰ هزار نفر جمعیت بوده و ارتفاع آن از سطح دریا ۸۵۵ متر می باشد. اکثریت ساکنان این شهر یعنی شصت درصد آن، شیعه آذری زبان هستند. بسیاری از آنان قبل از دو قرن ساکنان قره باغ بودند که در اوائل قرن نوزدهم بعد از فشار روسیه آن نقطه را ترک و به این مناطق آمده اند. در حال حاضر اغلب ساکنان این شهر و شهرهای تابعه مانند توزلوجا، ارالیک و قاضی عینتاب شیعه هستند و بیشتر آنان مشغول دامداری و کشاورزی اند. به جز ترکها، سی درصد ساکنین اغدییر، کرد / کرمانج و ده درصد هم ترکمه قازپاپاق هستند. شیعیان در این شهر صاحب یک کتابخانه به نام طه، و یک روزنامه به نام علمدار هستند.



در این شهر کتاب های ترجمه شده به ترکی به وفور عرضه می شود. همچنین در ایغدیر یک کانال تلویزیونی محلی بنام «ایغدیرین سسی» وجود دارد که در دست آذریها است. در بخش مرزی ایغدیر ۹ مسجد متعلق به شیعیان وجود دارد که عبارتند از: حاج نظام الدین، حاج یوسف و هاجر، اهل بیت (ع)، صاحب الزمان (ع)، ایغدیر مو، سید حاج حسین، سورمه لی، حاج جلیل و امام صادق (ع). همچنین ایغدیر دارای سی روستای شیعه نشین است که همگی آنها دارای مسجد هستند. شهر اغدیر در روز عاشورا با تعطیلی گسترده مدارس دولتی، اتوبوسرانی، و شبکه های تلویزیونی آن شهر همراه است.

شهر قارص

قارص شهر شیعی دیگر در شرق ترکیه است که جمعیت آن بالغ بر یک صد هزار نفر بوده و اکثریت آنان را شیعیان امامی تشکیل می دهند. بسیاری از شیعیان این ناحیه کسانی هستند که پس از تسلط کمونیستها در روسیه و ارمنستان، از آنجا تبعید شده و در این منطقه اسکان یافته و تبعه ترکیه شده اند. در این شهر همچنین شمار زیادی از علویان زندگی می کنند. در قارص چندین مسجد وجود دارد که از آن جمله ینی محله اشیکلی (ایستگاه بازار) و کامرو را می توان نام برد که نماز جمعه نیز در آن ها برگزار می شود.

شیعیان ترکیه پس از انقلاب اسلامی ایران

پس از برآمدن انقلاب اسلامی ایران دو تحول مهم رخ داد: نخست آن که شیعیان احساس کردند باید عقاید خویش را باز خوانی کرده و همزمان با دیگر گروه های مذهبی به اصلاح و سر و سامان دادن به وضع خویش بپردازند. دیگر آن که شماری از علویان که گرفتار نوعی بحران فکری بودند، راه نجات خویش را در پیوستن به مذهب امامی دیدند. علاوه بر این ها نشر افکار علمای شیعه ایران در ترکیه سبب شد تا بسیاری از جوانان ترکی به مذهب امامی روی آورند. بدین ترتیب افزون بر جامعه امامی قدیمی که در برخی از مناطق بود و به تدریج تلاش برای بازسازی خود کرد، جامعه جدیدی هم از علویان و سنیان شیعه شده در شهرهای مختلف ترکیه پدید آمد. افکار عالمان و انقلابیون ایران روی روشنفکران مذهبی اهل سنت ترکیه نیز تأثیر قابل ملاحظه ای گذاشت.

به دنبال انتقال شیعیان منطقه قارص و ایغدیر به شهرهای استانبول، آنکارا و ازمیر در برخی از نقاط این شهرها، محلات شیعه نشین پدید آمد. این وضع به خصوص در استانبول آشکارتر بود. همچنین پدید آمدن برخی از مراکز فرهنگی شیعی نیز مانند انتشارات کوثر به تقویت بعد فرهنگی شیعه کمک فراوانی کرد. ترجمه بسیاری از متون شیعی به ترکی (از عربی یا فارسی) به بهبود آگاهی شیعیان کمک شایسته ای کرد.

در سالهای اخیر یکی از مهم ترین اقدامات فرهنگی ترجمه چندین مجلد کتاب تفسیر المیزان به ترکی بود. علاوه بر این ها آثار شماری از متفکران ایرانی مانند شهید مطهری نیز به ترکی ترجمه شده و به طور کلی نه تنها سبب تقویت اندیشه های شیعی شده بلکه تقویت اندیشه فلسفی را نیز در ترکیه در پی داشته است. ناشر این آثار انتشارات کوثر است. علاوه بر آن چند مؤسسه انتشاراتی دیگر از جمله ولایت، ثقلین و طه نیز به نشر آثار شیعه مشغول هستند.

در حال حاضر بیش از ۲۵۰ نفر از طلاب ترکیه ای که سابقاً در ایران تحصیل کرده اند، مشغول فعالیت های فرهنگی - دینی در ترکیه هستند. برخی به دولت نزدیک و برخی با فاصله از آن عمل می کنند.

شمار فعلی طلاب ترکیه در ایران بالغ بر یک صد نفر زن و مرد است. کار این طلاب در بازگشت به ترکیه اداره مساجد و حسینیه ها و همین طور برگزاری مراسم مذهبی و کارهای ترجمه و انتشارات می باشد.

علویان ترکیه

علویان نامی است برای بکتاشیان ترکیه که به رغم داشتن ریشه های تاریخی از قرون گذشته، بیشتر از اواخر قرن نوزدهم بدین نام، نامیده شدند، در حالی که نام اصلی این گروه بکتاشیه یعنی پیروان حاجی ولی بکتاش بوده است.

زمانی پس از حمله مغول، آنگاه که مهاجرت های گسترده از ایران و آسیای میانه به سمت آناتولی صورت گرفت، جمعیت قابل ملاحظه ای در مناطق شهری و روستایی آناتولی گرد آمدند. اینان ایلات و عشایری بودند که در مناطق روستایی زندگی می کردند، و به طور عمده تحت تأثیر رؤسای خود به خصوص باباهایی بودند که روزگاری دراز پیش از آن در نقش شمن های آسیای میانه روی ایلات تأثیر داشتند.

جنبش بابائیه در قرن هفتم هجری برای دفاع از حقوق ایلات و عشایر برابر شهر نشینان پدید آمد که شکست خورد. از آن پس شمار فراوانی از آنان در اطراف حاجی بکتاش ولی که خود از مهاجران خراسان به آناتولی و از خلیفگان رهبر جنبش بابایی بود گردآمدند و بدین ترتیب بکتاشیه شکل گرفت. از همان روزگار، بخشی از بکتاشیه در روستاها و میان عشایر و ایلات بودند و بخشی در میان شهرنشینان، جنبش روستایی بکتاشیه ادامه یافت و جذب خانقاه اردبیل شد. این جنبش در جریان قیام دولت صفوی به آن پیوست و با گرفتن عنوان قزلباش - به دلیل استفاده از نوعی کلاه با دوازده ترک به رنگ سرخ - حامی دولت صفوی شد. قزلباش در اسناد عثمانی به عنوان زندیق و ملحد و رافضی شهرت یافت و بعدها نیز به علوی مشهور گشت. قزلباش در اصطلاح آن وقت عثمانی به معنای مرتد و شورشی است و شاید به همین دلیل بود که کلمه علوی در آن مناطق جایگزین قزلباش شد.

حاجی بکتاش ولی (محمد) در نیشابور و به ادعای برخی از نویسندگان معاصر ترک در روستای فوشنجان در حوالی نیشابور به دنیا آمد. به احتمال، وی همراه خوارزمشاهیان شکست خورده و سیل مردمان ترکمن که از آسیای میانه به خراسان و سپس آذربایجان رفته و عازم آناتولی می شدند، به آن نواحی رفت.

حاجی بکتاش در نسب نامه ها، نسب به امام کاظم علیه السلامی برد، هر چند در شمارش اجداد و اسامی واسطه ها اختلاف نظر وجود دارد. او به سیواس و سپس آماسیه و قیر شهر رفت و برادرش منتش هم در جنبش بابائیان کشته شد. وی با واسطه، تحت تأثیر آموزه های احمد بسوی (م ۵۴۶/۵۴۵ هجری) صوفی معروف قرن ششم هجری بود.

با شکست جنبش بابائیه، حاجی بکتاش پس از مدتی اختفا در روستای صولوجا کارااوپوک که مدفن وی است و اکنون به نام شهر حاجی بکتاش شناخته می شود ظاهر گشت. مرام و افکار حاجی بکتاش، توسط زنی به نام کادینجیک آنا که برخی او را همسر معنوی و برخی دختر خوانده حاجی بکتاش می دانند، پس از مرگ وی، به عنوان بکتاشیه ارائه گردید و به صورت یک طریقت درآمد. وی پیش از سال ۷۱۸ درگذشت، هر چند برخی سال درگذشت او را ۷۳۸ می دانند که به حساب ابجد (جُمْل) همان بکتاشیه و طبعا قابل تردید است.

طریقت بکتاشیه پس از حاجی بکتاش به عنوان پشتوانه مذهبی و ارشادی سپاه ینی چری در آمد و در ولایت نامه ها مناقب زیادی برای حاجی بکتاش نقل و در ضمن پیشگویی هایی از زبان او برای پیدایی دولت عثمانی عنوان شد که به نظر بسیاری مجعول است. این امر در نزدیک کردن

جناحی از بکتاشیان به دولت عثمانی و متقابلاً حمایت دولت از بکتاشیه مؤثر افتاد. بر این اساس، برخی علوی گری را گرایش ضد عثمانی و بکتاشیه را گرایشی متمایل به دولت عثمانی دانسته اند. در حالی که دسته نخست ترکمانان صحرا نشین بودند و روی عقاید و روش های سنتی خویش استوار ماندند، دسته دوم در شهرها بوده و تابع دولت عثمانی و حامی آن شدند. بر اساس اختلاف نظرهایی که درباره ازدواج کردن و یا نکردن حاجی بکتاشیه میان بکتاشیه شد، این جماعت به دو گروه چلبی (با تقسیم آنان به مرسل و خدادادی) و بابایی تقسیم گردید. چلبی لرها معتقد بودند حاجی بکتاش ازدواج کرده و سید علی سلطان فرزند چلبی است، اما بابایی لرها به ازدواج او باور نداشتند و سید علی سلطان را فرزند معنوی حاجی بکتاش می دانستند.

پس از سید علی سلطان، دو فرزند وی رسول بالی و مرسل بالی به ترتیب جانشین وی شدند. پس از وفات مرسل بالی پسر وی بالی چلبی یا بالیم سلطان جانشین پدر گردید. جانشینان وی با تأسیس تکیه و اداره آن به مدیریت معنوی و مادی جامعه بکتاشی می پرداختند.

بالیم سلطان یا پیر ثانی، مُجدّد مرام بکتاشی است که تغییراتی در این طریقت پدید آورد. از جمله، گروه درویشان مجرد که کار اداره طریقت را در روستاها بر عهده گرفتند از ابداعات بالیم سلطان است. احترام به دوازده امام نیز از باورهایی است که او میان بکتاشیه به طور جدی تقویت کرد (بنگرید مدخل بالیم سلطان در: دایرة المعارف بزرگ اسلامی: ۲۶۵/۱۱). احتمال این که در این زمان عقاید حروفیه در میان بکتاشیان رواج یافته باشد زیاد است. نفوذ باورهای شیعی درست همین زمان و به احتمال از طریق اندیشه های غالی حروفیه وارد بکتاشیه شده است. بالیم سلطان که تجرّد اختیار کرده بود، گروه درویشان مجرد را که در روستاها فعالیت تبلیغی داشتند، تأسیس کرد. عقیده به نوعی تثلیث «حق»، «محمد» و «علی» نیز منسوب به بالیم شده است.

قلندر برادر بالیم جانشین وی شد و همو بود که در سال ۹۳۳ نهضتی بر ضد دولت عثمانی در زمان سلیمان قانونی به راه انداخت که شکست خورده و کشته شد. در سال ۹۵۸ سرسم علی بابا بار دیگر تکیه بکتاشیه را رونق بخشید. در تشکیلات جدید علاوه بر چلبی ها، مقام جدید با عنوان دده بابا (بابای مجرد بکتاشی) نیز در اداره آن فعال بود.

در این باره که ارتباط علویان و بکتاشیان و افتراق آنان چه اندازه است، باید گفت هیچ تفاوت جدی و ماهوی میان آنان وجود ندارد. تنها گفته می شود که بکتاشیان غالباً شهرنشین و یکجانشین و علویان روستا نشین و کوچنده بوده اند. به عبارتی علویان همان بکتاشیان

روستایی هستند. بکتاشیان غالباً در شهرها در یک دوره جذب نیروهای نظامی شدند، اما از سوی دیگر بی توجهی به علویان سبب پراکندگی آنان به لحاظ هویتی و فکری شده و علاوه بر آن برخی از آداب و رسوم و افکار محلی در آنان رسوخ کرده است. علوی گری به نوعی حالت ارثی داشته و غیر آنان به درون آنان راه داده نمی شوند؛ در حالی که بکتاشی گری یک روش است که افراد دیگر می توانند به آن بپیوندند.

بی توجهی دولت عثمانی به ترکمانان بکتاشی از نوع علوی، زمینه سیاسی شدن آنان و فعالیتشان بر ضد عثمانی را فراهم کرد.

بایزید دوم تلاش در نزدیکی با آنان داشت و حتی کمک به کسانی می کرد که در باطن هوادار اسماعیل صفوی بودند.

سیاسی شدن بکتاشیان سبب شد تا از زمان سلطان سلیم (م ۹۲۶) بکتاشیان به دو گروه تقسیم شوند. گروهی که دولت حامی آنان بود و اجازه فعالیت به آنان می داد و گروه دیگر که اهل شورش و عصیان بوده و دائماً در تعقیب قرار داشتند و بسیاری از رهبرانشان کشته شدند. دسته دوم آنانی هستند که قزلباش نامیده شده و با دولت صفوی از طریق خلفایی که صفویان برای آنان تعیین می کردند ارتباط داشتند. قزلباشان با تمام وجود از شاه اسماعیل حمایت کرده و تا سالها به دولت صفوی کمک مالی می کردند. آنان چندین قیام علیه عثمانی ترتیب داده و مهمترین آرزوی آنان پیوستن به شاه اسماعیل بود.

قیام شاه قلی بابا در ادامه همین گرایشها بود. پس از آن نیز قزلباش آناتولی در طول دوره عثمانی ها قیام هایی را پدید آوردند که از آن جمله می توان به قیام نور علی خلیفه و جلال در زمان سلطان سلیم، قیام های سوغلون قوچه، شاه ولی، بابا ذوالنون، رموز اوغلان، بینجه بیگ، ولی خلیفه، قلندر چلبی و... که در فاصله سالهای ۹۳۵-۹۳۵ در اوایل سلطنت سلیمان قانونی به وقوع پیوسته اند اشاره نمود.

احساسات عمیقی که تا به امروز در میان علویان آناتولی در ابراز ارادت به اسماعیل برجای مانده از همان زمان در میانشان ریشه دوانده بود.

صلح آماسیه میان عثمانی و طهماسب در سال ۹۶۲ فاصله را عمیق تر کرد. قوچه حیدر شاعر بکتاشی که در آرزوی آمدن صفویان به آناتولی بود، از طرف عثمانی ها به اعدام محکوم شد. پس از چند دهه تعقیب شیعیان علوی آناتولی و نابود کردن آنان، و قطع ارتباطشان با سران

صفوی، علویان آناتولی در تقیه و خفا، عقاید و راه خود را دنبال کردند، اما همچنان ادبیات آنان سرشار از احساساتی بود که از روزگار اسماعیل و بعد از آن مانده بود.

بکتابشیان به خصوص شهری ها به حمایت از دولت ادامه داده و بخش عمده لشکرینی چری را تشکیل دادند. با انحلال این ارتش در دوران محمود دوم (۱۲۲۳-۱۲۵۵) برای مدتی طریقت بکتابشی هم ممنوع گردیده، تکیه های ایشان تخریب و اموالشان تصرف گردید. در جریان این اقدام بسیاری از تکیه های بکتابشیان به مسجد تبدیل شد.

در مقابل حادثه مزبور که به نام «واقعۀ خیریه» معروف است سبب درهم تنیدگی بکتابشیان و علویان شد. در یک مقطع شمار زیادی از بکتابشی ها، در پی سیاست های نظامی گری یا اهداف سیاسی، به اروپای شرقی منتقل شدند، به طوری که امروزه در کشورهای چون آلبانی، علویان بکتابشی درصد بالایی از جمعیت را تشکیل می دهند. شهر تیرانا پایتخت آلبانی یکی از مراکز اصلی بکتابشی ها است.

در جریان تحولاتی که منجر به انحلال دولت عثمانی در اوائل قرن بیستم شد، بکتابشیان کما بیش فعالیت های متفاوتی داشتند. در زمان سلطان عبدالحمید تکایای بکتابشی فعال شدند و کمکهایی نیز به جبهه های جنگ عثمانی در جنگ جهانی اول داشتند. اما زمانی که آتاتورک - که یک بکتابشی بود - فعالیت ضد عثمانی خود را آغاز کرد، بکتابشیان به حمایت از وی پرداختند، این به رغم آن بود که آتاتورک بر اساس باور خود به لائسیسم همه طریقت ها را منحل کرد.

دلیل حمایت علویان آن بود که اولاً به صورت سنتی به دلایل مذهبی و سیاسی مخالف دولت عثمانی بودند. حتی برخی از علویان آتاتورک را مهدی خواندند. آتاتورک در راستای انحلال طریقت های مذهبی، طریقه های علویان و بکتابشیان را نیز منحل کرد، اما همچنان محبوب علویان بود. در دورانی که لامذهبی می رفت تا در ترکیه فراگیر شود مشارکت جدی علویان در جامعه جدید ترک و مهاجرت آنان از مناطق روستایی به شهرهای بزرگ آغاز شد. مهاجرت بی رویه، آنان را تبدیل به حاشیه نشین شهرها کرده و فقر و دشواریها، ایشان را به سوی کمونیسم سوق داد. این زمان جوانان علوی با گذشته خود قطع ارتباط کرده و به دلیل مشکلات اقتصادی و فرهنگی به جریان های چپ پیوستند؛ به طوری که دو مفهوم علوی و کمونیست بسیار به هم نزدیک شد.

اندکی بعد در جریان تحولات سیاسی سالهای ۱۹۷۸ و کودتای ۱۹۸۰ جریانهای راست طرفدار غرب بر ضد چپ وارد عمل شده و اقدامات تند آنان منجر به تصفیه همزمان چپ ها و علویان

شد. از آن زمان به بعد شمار فراوانی از علویان به اروپا مهاجرت نمودند، به طوری که نزدیک به ۳۰ درصد ترکمانی که در آلمان هستند از علویان اند.

در جریان شکست جریان چپ پس از فروپاشی شوروی، علویان به دنبال شناخت هویت خویش برآمده و دوباره به سمت و سوی احیای آیین های کهن رفتند.

علویان در شرایط جدید می بایست تسلیم یکی از سه خواسته می شدند: اول آن که علوی بمانند و گرایش های سنتی خود را حفظ کنند. دیگر آن که تحت تأثیر نهادهای مذهبی وابسته به دولت تکیه های خود را به مسجد تبدیل کرده یا در روستاهای خود مساجدی بسازند و به تدریج به مذهب اهل سنت بگروند. و سوم آن که به تشیع امامی روی بیاورند که نسبت نزدیکی با آن داشتند.

آنچه به طور رسمی اظهار می شود جریان اول است. علویان فعالانه تلاش می کنند تا خود را مستقل از جریان های دیگر بدانند. اما در این میان افزون بر آن که بسیاری از شعارهای گذشته آنان به شعائر شیعی نزدیک بود شمار فراوانی از آنان این احساس را داشتند که برای استقرار و استقلال راهی جز این که به مذهب امامی بگروند ندارند.

با این حال، مهم ترین جریان، حرکت استقلال خواهانه علویان است، که این بار نوعی وجهه ملی - روشنفکری به خود گرفته و خواهان برابری حقوق با دیگران است. آنان بر این باورند که شمار علویان بیست میلیون نفر است، اما به نوعی تحت فشار اهل سنت و نهاد سازمان دیانت هستند. علویان تأکید دارند که ارتباطی میان آنان و شیعیان ایران یا اساساً ارتباطی میان علوی گری و مذهب تشیع وجود ندارد. این در حالی است که شعائر شیعی از نوع غالبانه آن که بازمانده تأثیر نحله حروفیه در میان بکتاشیان و نیز تبلیغات مذهبی صفویان از دوره جنید تا شاه اسماعیل است آیین علوی را با کربلا و امامان پیوند داده است.

علویان طی بیست سال گذشته موضوعی بحث برانگیز بوده اند. بارها کسانی از علویان به دلایلی ترور شده یا تحت فشار قرار گرفته اند. گهگاه در برخی از برنامه های تلویزیونی با تعبیری چون قزلباش مورد تحقیر قرار گرفته و سبب برانگیختن حساسیت آنان شده است. علویان در مجموع گرایش به جریان لائیک دارند، زیرا از سختگیری اهل سنت نسبت به خود نگرانند.

در حال حاضر چند گرایش میان علویان وجود دارد:

الف: برخی علوی گری را پیروی از امام علی (ع) دانسته و با توجه به این که ایشان پای بند به فرائض پنجگانه بوده است معتقدند که باید به اسلام اصیل نزدیک شد. این گروه در انتخاب تشیع یا تسنن مشکل دارند، گرچه به تشیع بسیار نزدیک ترند.

ب: برخی علوی گری را نوعی گرایش سکولار دانسته و آن را خارج از جریان مذهبی می دانند و بر این باورند که به هیچ گرایش مذهبی وابستگی ندارد.

ج: گروهی نیز راهی میان این دو را انتخاب کرده و به عبارتی از هر دو پرهیز دارند. این جماعت تلاش دارند همان هویت التقاطی - تاریخی را نگاه دارند.

در میان علویان، گرایش به این که به مذهب جعفری نزدیک هستند بسیار نیرومند است و شمار زیادی از آنان در اجرای مراسم خاص مذهبی مانند مجالس فاتحه و غیره، از روحانیون شیعه استفاده می کنند. برخی هم تأکید دارند که علویان به جماعت اثناعشری نزدیک اند، اما بکتاشی گری چنین نیست و بیشتر ساخته و پرداخته عثمانی ها برای حفظ آناتولی از تسلط صفوی ها ست. به هر روی امروزه کمتر شهری از شهرهای ترکیه است که گروهی از علویان و بکتاشیان، امامی مذهب نشده باشند.

اهل سنت در مقابل علویان، جدای از آن که تلاش برای راهنمایی آنان به مذهب خویش دارند و با استفاده از امکانات دولتی، مسجد در روستاهای علوی می سازند و امام جماعت می فرستند، اما به طور کلی علوی گری را به عنوان یک بدعت و حتی کفر، عقیده ای خارج از اسلام می دانند.

آمار علویان

درباره جمعیت علویان آمارهای متفاوتی وجود دارد و مانند هر نقطه دیگری این قبیل آمارها گرفتار افراط و تفریط است. رضا زیلوت محقق علوی، شمار علویان را یک سوم جمعیت ترکیه می داند. حامد بالمیر و رضا یوروک اوغلو (محققان ترک) شمار آنان را بیست میلیون، عزالدین دوغان رئیس اوقاف جم (نهاد مربوط به علویان) ۲۵ میلیون، و پائول بالت (یک محقق غیر ترک) جمعیت آنان را ده تا بیست درصد جمعیت ترکیه می داند. بروینسین (یک محقق غیر ترک) جمعیت آنان را دست کم چهار تا پنج میلیون ذکر می کند.

درصد جمعیت علویان در شهرهای ترکیه

نام شهر	درصد تخمینی جمعیت علویان	نام شهر	درصد تخمینی جمعیت علویان
تونجلی	%۱۰۰	ماراش	%۴۰
سیواس	%۶۰	یوزگات	%۴۰
آری یامان	%۶۰	ارزنجان	%۳۵
چروم	%۵۰	ارزروم	%۳۵
آماسیه	%۵۰	آدانا	%۲۵
توگات	%۵۰	قاضی عینتاب	%۲۵
بینگول	%۵۰	جانکری	%۲۵
موش	%۵۰	ایچل	%۱۰
ملاطیه	%۵۰	آنتالیا	%۱۰
الازیق	%۴۰	اورفا	%۱۰
		قِیصریه	%۱۰

یک نگاه معتدل جمعیت علوی ترکیه را بیش از ۱۵ میلیون نفر نشان می دهد. این در حالی است که جمعیت ترکیه تا یک دهه پیش ۵۶ میلیون نفر بوده است.

طوایف علویان

جمعیت علوی ترکیه از طوایف مختلفی است که در این کشور زندگی می کنند. این طوایف عبارت اند از: ترکمن ها که همان ترکان ماوراءالنهراند که به تدریج به منطقه آناتولی آمده و با پذیرش اسلام ترکمن نامیده شدند. ترکمن ها خود طوایفی دارند از جمله: چپنی ها که بیشتر در اطراف طرابوزان و نواحی آن بوده و غالباً با کنار گذاشتن بکتاشی گری سنی شده اند. گروه دیگر تحتاجی ها هستند که در شهرهای، ماراش، آدنا، ایچل، آنتالیا، مغولا، دنیزلی، اسپارتا،

بوردور، بالیکسیر، آیدین و ازمیر هستند و علوی اند. بیدیلی ها گروه دیگرند که به حمایت از دولت صفوی شهره اند.

علاوه بر ترکمن ها، شمار زیادی از کردهای ساکن ترکیه نیز علوی اند. برخی شمار آنان را تا یک سوم کردهای ساکن ترکیه گفته اند. کردهای علوی بر اساس یک سنت کهن با دولت ترکیه درگیر هستند. همچنین نیمی از زازاها نیز که در شرق آناتولی هستند - و گفته می شود که قومی ایرانی اند - علوی و شیعه اند. آنان در کوههای مونزور، جذات، تونجلی، ناظمیه، اواجیک، پولومور و در بخشی از ارزنجان زندگی می کنند.

عقاید علویان

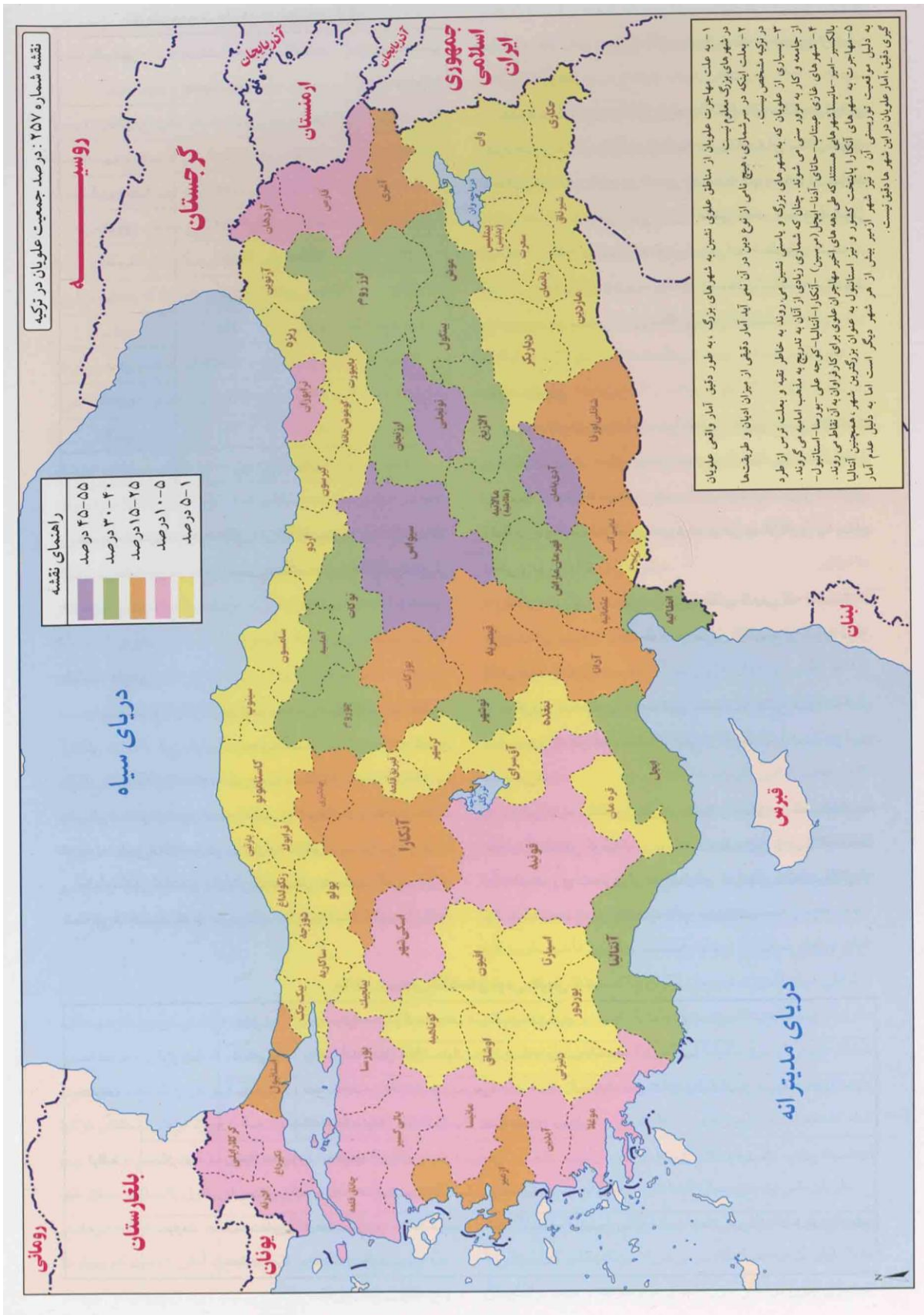
به طور کلی ترکمن ها و سایر طوایف علوی، قومی هستند که با مراکز اصلی فرهنگی اعم از سنی و شیعه پیوند استواری نداشتند. به علاوه، مسلمان شدن آنان در خراسان و آناتولی، دقیقا در دوره تسلط تصوّف بود که نوعی سازگاری با عقاید محلی و بومی را ترویج می کرد. بدین ترتیب علویان، منهای عقاید کهنی که داشتند، از طریقت های صوفیه از یک طرف و سپس از تشیع از سوی دیگر، افکار خود را تغذیه کردند.

بنابراین سه عنصر عقاید کهن، تصوّف و تشیع همراه با آداب و رسومی که هر کدام متأثر از یکی از این عناصر است در آنها دیده می شود.

در این باره بیشترین شرح و بسط را محقق برجسته شیعه علوی عبدالباقی گولپینارلی در کتاب مولویه پس از مولانا به دست داده است. وی شماری از طریقت های خراسان مانند ملامتیه را یاد کرده است که در بکتاشیه تأثیر داشته اند.

مناطق مسکونی شاخه های قومی علویان ترکیه			
علویان	ترکمن ها	چینی لر	گیره سون، تیره بولو، گروله، واقف کبیر، حولی بالیکسیر و...
		تحتاجی لر	ماراش، آدانا، ایجل، آنتالیا، مغولا، دنیزلی، اسپارتا، بوردور، بالیکسیر، آیدین، ازمیر
		بیدیلی لر	آماسیه، بولو، بوزوک، چروم، دیوریفی، حامد، خاوند گار، کاره سی، کاستاموند، کنگیری، قونیه، کوتاهیه، مالاتیا (ملاطیه)، سیواس، آنکارا، توگات، کرشمیر، قیصری، نوشهیر
ترکیه	کردها	بینگول (به ویژه در بخشهای کارلی اووا و کیغی)، تونجلی، ارزنجان، سیواس، یوزگات، الازیق، مالاتیا، قهرمان ماراش (البستان و بازارجیک) و قیصریه (در بخش های پینارباشی، ساریز و تومارزا)	
	زازها	قسمت هایی از کوههای مونزور، جذات تونجلی، ناظمیه، اواجیک، پولومور، مناطق سمت راست رود فرات از کوههای بینگول تا مالاتیا، مرکز ارزنجان، چایرلی و حنس.	

نقشه شماره ۲۵۷: درصد جمعیت علویان در ترکیه



تأثیر آموزه های بسوی هم در عقاید بکتاشیه واضح و تصریح شده است. همچنین عقاید حلاجیه نیز در میان بکتاشیان وجود دارد و به همین دلیل حلاج شخصیت مورد احترام آنان است. طریقت قلندریه و نیز مرام حروفیه نیز به خصوص در زمینه برخی از مظاهر شیعی در بکتاشی مؤثر بوده اند. حروفیه پس از آثار فضل الله حروفی و نیز عمادالدین نسیمی و شماری دیگر از متفکران حروفی در میان مسلمانان آناتولی توزیع گردید. در این زمینه از عقیده حلولی حروفیه و تأثیر آن در بکتاشیه یاد شده است. این عقاید با آنچه شماری از غلات کهن در تاریخ شیعه مطرح می کردند نزدیک بود، اما به معنای باقی ماندن عقاید غالیان قدیم یا ارتباط آنان با بکتاشی ها نیست. به هر روی بکتاشی گری نوعی تلفیق طریقت های مختلف است که به تدریج رنگ تشیع به خود گرفته است.

آنچه از نظر ما اهمیت دارد این است که علوی گری محصولی از تلفیق تصوف با تشیع در نوع افراطی و نادرست آن است. با این حال مظاهر شیعی جدی در آن وجود دارد. به خصوص از زمانی که بخش قابل توجهی از علوی گری با قزلباشی پیوند خورد رنگ تشیع آن هر چند در شکل غالی بیشتر شد. باور آنان به پنج تن آل عبا که به نام «پنجه آل عبا» از آن یاد می کنند، اعتقاد به دوازده امام (ع) ارادت فراوان به امام حسین (ع) و برگزاری مراسم سوگواری عاشورا و نیز احترام فراوان به امام صادق (ع) و نیز باور به تولی و تبری از مظاهر اعتقادی آنان به تشیع است. مهم ترین اشکال آنان عدم پایبندی به شریعت است که ایشان را از امامیه جدا می کند. در میان معتقدات آنان ذکر نام دوازده امام نوعی عبادت تلقی شده و سخت بدان پایبند هستند.

ماتم عاشورا هم که برگزاری محرّم به صورت سالانه در دهه نخست محرّم است به طور جدی میان آنان رواج دارد. جز آن که آنان این دوازده روز را به نام دوازده امام روزه می گیرند. روزه آنان تحمل تشنگی به خاطر امام حسین (ع) است. در این ده روز خطاب آنان به یکدیگر «یا امام» «و یا حسین» است. دعایی هم به عنوان آغاز روزه میانشان هست که ضمن آن با فرستادن درود بر خدا، به یزید و قوم او لعنت می فرستند. علویان مراسم ماتم عاشورا را از روی کتاب قمری، گلزار حسنین و حدیقه السعداء فضولی می خوانند.

ادبیات سنتی و نوین علوی نیز همچنان حاوی شعائر شیعی آنان در ارتباط با امام علی (ع) و کربلاست. از دیگر نشانه های شعاری تشیع در میان آنان نوعی هنر نقاشی است که تصاویر

امامان را کشیده و در خانه ها و جمع خانه ها نگهداری می کنند. تصاویر یاد شده از کشور عثمانی به ایران وارد شد و مورد استقبال محدود قرار گرفت.

۱- به علت مهاجرت علویان از مناطق علوی نشین به شهرهای بزرگ، بطور دقیق آمار واقعی علویان در شهرهای بزرگ معلوم نیست.

۲- به دلیل اینکه در سرشماری، هیچ نامی از نوع دین در آن نمی آید، آمار دقیقی از میزان جمعیت ادیان و طریقت ها در ترکیه مشخص نیست.

۳- بسیاری از علویان که به شهرهای بزرگ و یا سنی نشین می روند به خاطر تقيه و به دلیل ترس از طرد از جامعه و کار به مرور دست از علوی گری برداشته و سنی می شوند. چنان که شمار زیادی از آنان به تدریج به مذهب امامیه می گروند.

۴- شهرهای غازی عینتاب - حاتای - آدانا - ایچل (مرسین) - آنکارا - آنتالیا- کوجه علی - بورسا - استانبول - بالکسیر- ازمیر- مانيسا شهرهایی هستند که طی دهه های اخیر پذیرای مهاجران علوی برای کار بوده اند.

۵- مهاجرت به شهرهای آنکارا و استانبول به عنوان بزرگترین شهر، همچنین آنتالیا به دلیل موقعیت توریستی آن و نیز شهر ازمیر بیش از هر شهر دیگر است، اما به دلیل عدم آمارگیری دقیق، آمار علویان مهاجر در این شهرها دقیق نیست.



اعیاد و مناسبت های علویان ترکیه

زمان	مناسبت	توضیحات
۲۱ مارس (اول فروردین)	عید نوروز	۲۱ مارس که طبق تقویم شمسی برابر اول فروردین است، در میان علویان به «نوروز» معروف است. آنها این روز را جشن می‌گیرند. علویان در این روز، اشعاری که «نوروزیه» نام دارد، می‌خوانند و مراسم سماع به پا می‌کنند. آنان این روز را روز میلاد علی (ع)، روز ازدواج حضرت علی (ع) با فاطمه (س)، آغاز ورود خورشید به برج حمل، روز عید غدیر، روز خلقت دنیا، روز بعثت پیامبر (ص)، روزی که ترکان آسیای میانه (ترکان قدیم) از پناهگاه زمستانی خود به دشتها آمدند و... می‌دانند.
دهم محرم	ماتم عاشورا	علویان با برپایی مراسم روز شهادت امام حسین (ع) را گرامی می‌دارند. آنان در دهه اول محرم تا روز دوازدهم را روزه می‌گیرند. این روزه از روز اول محرم آغاز و در ظهر روز دوازدهم به پایان می‌رسد.
شش ماه می (۱۶ اردیبهشت)	عید خضر الیاس	علویان معتقدند که خضر (ع) و الیاس (ع) توانسته‌اند به آب حیات دست یابند و عمر جاویدان بیابند. خضر (ع) در خشکی‌ها و الیاس (ع) در دریاها به یاری مردم می‌رسند. بنا به اعتقاد آنان خضر و الیاس (ع) سالی یکبار در ششم ماه می در کنار دریا و یا یک درخت با هم ملاقات می‌کنند.
دهم ذی الحجه	عید قربان	علویان همانند سایر مسلمانان عید قربان را با قربانی کردن جشن می‌گیرند.
سوم الی پنجم حزیران (ششم تا هشتم خرداد)	جشن‌های ابدال موسی	علویان در روزهای سوم، چهارم و پنجم ژوئن جهت بزرگداشت ابدال موسی سلطان (از بزرگان طریقت بکتاشی) مراسم به پا می‌دارند.
۱۶ الی ۱۸ آگوست (۲۱ تا ۲۳ مرداد)	بزرگداشت حاجی بکتاشی	هر سال در تاریخ ۱۶ الی ۱۸ آگوست جشن‌هایی جهت بزرگداشت بنیانگذار طریقت بکتاشی برگزار می‌گردد. محل اصلی آن شهر حاجی بکتاشی می‌باشد.
دوم الی چهارم تموز (۱۱ الی ۱۳ تیر)	بزرگداشت پیر سلطان ابدال	در روزهای دوم و سوم و چهارم جولای، مراسم‌هایی جهت بزرگداشت پیر سلطان ابدال (از شاعران بزرگ علوی) برگزار می‌شود.

درصد تخمین جمعیت علویان در شهرهای ترکیه

درصد تخمین جمعیت علویان در شهرهای ترکیه

شهرها	کتاب علویان الیاس اوزم	اطلس علویان ترکیه علی ایلدریم (از محققان ترک)	موسسه خاور نزدیک واشنگتن
آدانا	%۳۵	%۱۹	
قاضی عینتاب	%۲۵	حدود ۵ الی %۱۰	
چانکری	%۲۵	حدود ۱۰ الی %۴۵	
ایجل (مرسین)	%۲۰		
آنتالیا	%۱۰	حدود ۵ الی %۱۰	
أرفه	%۱۰	کمتر از %۵	
قیصریه	%۱۰	کمتر از %۵	
حاتای		%۵۰	
(انطاکیه)			
ازمیر		%۲۵	۵ الی %۱۰
بالیکسیر		%۱۰	حدود ۵ الی %۱۰
استامبول		%۲۵	۴
آنکارا		%۲۵	حدود ۱۰ الی %۴۵
نوشهیر		%۱۰	حدود ۱۰ الی %۴۵

شهرها	کتاب علویان الیاس اوزم	اطلس علویان ترکیه علی ایلدریم (از محققان ترک)	موسسه خاور نزدیک واشنگتن
تونجلی	%۱۰۰	%۹۵	بیش از %۵۰ علوی
سیواس	%۶۰	%۲۰	حدود %۵۰
آدی یامان	%۶۰	%۳۰	حدود ۵ الی %۱۰
چروم	%۵۰	%۲۳	حدود ۱۰ الی %۴۵
اماسیه	%۵۰	%۲۵	حدود ۱۰ الی %۴۵
توگات	%۵۰	%۲۶	حدود %۵۰
بینگول	%۵۰		حدود ۱۰ الی %۴۵
موش	%۵۰	%۲۰	حدود ۵ الی %۱۰
ملاطیه	%۵۰	%۲۰	حدود ۱۰ الی %۴۵
الازیغ (العزیز)	%۵۰		حدود ۵ الی %۱۰
قهرمان ماراش	%۴۰	%۱۵	حدود ۱۰ الی %۴۵
یوزگات	%۴۰		حدود ۱۰ الی %۴۵
ارزنجان	%۴۰		حدود %۵۰
ارزروم	%۳۵		حدود ۱۰ الی %۴۵